

روش اندازه گیری بخش غیر رسمی در ایران

فریده باقری - علی عرب مازار یزدی - علی اصغر بانویی - حسن ورمزیار

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

زمستان ۱۳۸۱

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار:

بخش غیررسمی یک بخش مهمی از اقتصاد و بازار نیروی کار را در بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهد و نقش عمده‌ای در ایجاد اشتغال و تولید و ایجاد درآمد ایفا می‌کند، در طول دو دهه گذشته بحران اقتصادی، سیاستهای تعدیلی، تداوم نرخ رشد بالای شهرنشینی و جمعیت منجر به گسترش بی‌سابقه این بخش در بسیاری از کشورها از جمله ایران شده است. بر این اساس باید باور کنیم که بخش عمده‌ای از افزایش نیروی کار در بسیاری از کشورها برای سالیان متمادی در بخش غیررسمی مشغول خواهند شد و این بخش به صورت بخش مهم و گسترده‌ای از اقتصاد ملی باقی خواهد ماند. از اینرو جمع‌آوری اطلاعات در این بخش قدم مهمی را به سمت بهبود آمارهای نیروی کار، آمارهای اقتصادی و حسابهای اقتصادی به عنوان پایگاه اطلاعاتی برای تحلیل‌های کلان، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فراهم می‌آورد.

با توجه به اینکه اغلب آمارهای موجود در زمینه بخش غیررسمی کشورمان به صورت موردی و برآوردی می‌باشد لذا پژوهشکده آمار به دلیل اهمیت موضوع و در راستای اهداف خود طرح مطالعاتی «روش اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران» را در برنامه کار خود قرار داد. که در این رابطه یک گروه مطالعاتی از مردادماه ۱۳۸۰ شروع به فعالیت نمود.

در گروه مطالعاتی مذکور از پژوهشکده آمار سرکار خانم فریده باقری به عنوان مجری طرح و آقایان دکتر علی‌اصغر بانویی و دکتر علی عرب مازار یزدی از دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و آقای ورمزیار از همکاران دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور عضویت داشتند که بدینوسیله از زحمات آنها تشکر و قدردانی می‌شود. همچنین از جناب آقای دکتر فرهاد مهران که آخرین مدارک و مستندات موجود در سازمان بین‌المللی کار (ILO) را در اختیار گروه قرار دادند صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

همچنین لازم است که از سرکار خانم الهام علیزاده که زحمت تایپ بخش‌هایی از گزارش را متقبل شدند، تشکر و قدردانی شود.

امید است که یافته‌های حاصل از این پژوهش مورد عنایت و توجه و استفاده محققان و کارشناسان ذیربط قرار گیرد. از خوانندگان محترم تقاضا دارد، موارد احتمالی اشکالات و ابهامات موجود در نشریه را به گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار منعکس کنند.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده آمار

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	بخش اول. چارچوب مفهومی
۲	فصل ۱. کلیات
۲	۱-۱. مقدمه
۵	۲-۱. اهداف پژوهش
۵	۳-۱. روش پژوهش
۶	فصل ۲. چارچوب نظری
۶	۱-۲. مروری بر سیر تاریخی توجه به اهمیت بخش غیررسمی و اطلاعات مربوط به آن
۱۴	۲-۲. علل ایجاد و رشد بخش غیررسمی
۲۲	فصل ۳. تعریف بخش غیررسمی
۲۲	۱-۳. تعریف بخش غیررسمی در ادبیات بین‌المللی
۳۷	۲-۳. تعریف بخش غیررسمی در مطالعات تجربی ایران
۳۹	۳-۳. اقتصاد ایران و بخش غیررسمی
۶۳	۴-۳. تعریف بخش غیررسمی در ایران، برای اندازه‌گیری آن
۶۶	بخش دوم. روشهای محاسبه و جمع‌آوری داده در بخش غیررسمی
۶۷	فصل ۴. روش‌های اندازه‌گیری بخش غیررسمی
۶۸	۱-۴. روش مستقیم
۷۵	۲-۴. ارقام اطلاعاتی مورد نیاز
۷۷	۳-۴. طبقه‌بندی تفصیلی
۷۹	۴-۴. روش غیرمستقیم
۸۴	فصل ۵. تجربیات اندازه‌گیری بخش غیررسمی

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۸۴	۱-۵. تجربه اندازه‌گیری بخش غیررسمی در جهان
۹۹	۲-۵. تجربه اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران
۱۱۹	فصل ۶. روش پیشنهادی برای اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران
۱۱۹	۱-۶. منابع موجود برای جمع‌آوری اطلاعات
۱۲۵	۲-۶. روش پیشنهادی
۱۲۸	فصل ۷. جمع‌بندی و پیشنهادات
۱۳۲	فهرست منابع
۱۳۶	پیوست ۱- شروط اضافی در تعریف بخش غیر رسمی

بخش اول

چارچوب مفهومی

فصل ۱. کلیات

۱-۱. مقدمه

تحلیل وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشور و سیاستگذاری برای ارتقاء سطح توسعه یافتگی آن به شدت نیازمند دسترسی به اطلاعات روزآمد، صحیح و دقیق در حوزه‌های اصلی فعالیتهای جامعه است. از هنگام پیدایش نظام آمارهای اقتصادی و اجتماعی، این دغدغه که اطلاعات گردآوری و پردازش شده فاقد خصوصیات مذکور باشند، نگرانی اصلی کارشناسان آمار و تحلیلگران و سیاستگذاران در عرصه‌های گوناگون بوده است.

چنین نگرانیهایی در کشورهای در حال توسعه با گستردگی بیشتری وجود داشته است به ویژه از این جهت که اساساً اغلب نظامهای آماری و حسابداری ملی متناسب با وضعیت و نیازهای کشورهای توسعه یافته طراحی شده و خصوصیات ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه را نادیده می‌گیرند. از جمله پدیده‌هایی که در این گروه از کشورها با وسعت زیاد و تأثیر قابل توجه بر فرآیند تولید و ایجاد اشتغال به چشم می‌خورد، قسمتی از فعالیتهای اقتصادی است که توسط آن گروه از واحدهای تولیدی انجام می‌شود که امروزه "بخش غیررسمی" نام گرفته است.

واژه "بخش غیررسمی" در اوایل دهه ۱۹۷۰ برای توصیف ویژگیهای خاص طبیعت دوگانه نظام تولیدی و وضعیت اشتغال که در کشورهای در حال توسعه مشاهده شده بود به کار رفت. در طول دوره‌های رشد بالای اقتصادی و گرایش استراتژیهای توسعه به سمت صنایع مدرن، بزرگ و سرمایه بر، بخش غیررسمی به صورت یک پدیده بازار کار ناشی از مازاد نیروی کار مناطق شهری

¹ Informal Sector

در کشورهای در حال توسعه گسترش یافت چرا که اکثر مراکز صنعتی در شهرهای بزرگ تأسیس شده و مناطق روستایی به شکل کاملاً مشهودی نادیده گرفته شدند و همین امر به شکاف درآمدی بین مناطق روستایی و شهری دامن زد و پیامدی جز هجوم روز افزون مهاجران از مناطق روستایی به مراکز شهری برای یافتن فرصتهای شغلی بهتر در پی نداشت. اما بنگاههای بخش مدرن و رسمی ظرفیت ایجاد فرصتهای شغلی را به گونه‌ای که پاسخگوی این مازاد نیروی کار باشد را نداشتند، در نتیجه افراد ناچاراً برای گذران زندگی خود جذب فعالیتهای غیر رسمی می‌شدند (ILO 1992).

این بخش از فعالیتهای اقتصادی برخلاف بخش رسمی، با هدف اولیه ایجاد درآمد و اشتغال و نه حداکثرسازی بازدهی سرمایه، در مقیاس کوچک، با تکنولوژی غیرمدرن و کاربر و به صورت غیرمتشکل ایجاد و گسترش یافت و در عمل سهم عمده‌ای از تولید و اشتغال در کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داد.

در ایران نیز الگوبرداری از استراتژیهای مرسوم توسعه اقتصادی بدون توجه به شرایط و الزامات بومی و اجرایی آنها، در کنار رشد جمعیت کشور نتایج مشابهی را به بار آورده است. شواهد ملموس و برخی از اطلاعات آماری گردآوری شده حاکی از گستردگی و رو به رشد بودن بخش غیررسمی در کشور است. این در حالی است که نظام آماری و حسابداری اقتصادی کشور عملاً فعالیتهای این واحدها را به نحو جامع و دقیقی پوشش نمی‌دهد و اطلاعات موجود در مورد فعالیتهای واحدهای تولیدی بخش غیررسمی به طور جداگانه و با مشخصات مورد نیاز تهیه نمی‌شوند و تنها در موارد نیاز نسبت به برآورد ارقام و به صورت ادغام شده با اطلاعات مربوط به فعالیتهای بخش رسمی اقدام می‌شود. به طور طبیعی در چنین سطحی از دسترسی به داده‌های مورد نیاز برای تحلیل وضعیت اقتصادی، نمی‌توان انتظار زیادی از تحلیل‌گران، برنامه‌ریزان و

سیاستگذاران توسعه اقتصادی داشت و به عملکرد محافل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این عرصه امید بست.

علاوه بر اینها، گسترش استفاده از نظام حسابهای ملی ۱۹۹۳ به عنوان مبنای تهیه حسابهای ملی در سطح بین‌المللی، استفاده مرکز آمار ایران از نظام مذکور برای تهیه حسابهای ملی و توصیه این نظام بر تمایز بین بخشهای رسمی و غیررسمی در محاسبات، همگی بر ضرورت اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران دلالت دارند.

از این رو لازم است که اطلاعات جامعی در خصوص اندازه و مشخصات بخش غیررسمی با به کار گرفتن تجربه جهانی و توصیه‌های نهادهای ذی‌ربط بین‌المللی (سازمان بین‌المللی کار و گروه کاری دهلی) و شیوه‌های صحیح آمارگیری در چارچوب شرایط و اقتضانات توسعه ملی به دست آوریم. جمع‌آوری این اطلاعات قدم مهمی را به سمت بهبود آمارهای نیروی کار ، آمارهای اقتصادی و حسابهای ملی به عنوان پایگاه اطلاعاتی برای تحلیل‌های کلان‌اقتصادی، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در راستای ارتقاء سطح توسعه‌یافتگی کشور فراهم می‌آورد.

در این پژوهش کوشش شده است تا مقدمات لازم برای دستیابی به چنین هدفی فراهم شود. تبیین چارچوب مفهومی و نظری موضوع، مرور روشهای اندازه‌گیری بخش غیررسمی و تجربیات اجرای آنها در ایران و جهان، بررسی وضعیت داده‌های گردآوری شده و موجود در مورد فعالیتهای این بخش و ارائه چارچوبی برای اندازه‌گیری فعالیتهای بخش غیررسمی در ایران، آن چیزی است که به عنوان نتایج پژوهش در فصلهای مختلف این گزارش ارائه خواهد شد.

۱-۲. اهداف پژوهش

هدف اصلی این مطالعه ارائه شیوه مناسبی برای اندازه‌گیری حجم بخش غیررسمی در اقتصاد ایران می‌باشد. این پژوهش در کنار هدف اصلی خود اهداف فرعی دیگری را دنبال می‌نماید که عبارتند از:

- شناسایی اولیه از فعالیتهایی که بصورت غیررسمی صورت می‌گیرد
- ارائه تعریف مشخص عملیاتی از بخش غیررسمی در ایران
- ارزیابی روشهای اندازه‌گیری بخش غیررسمی از طریق طرحهای آمارگیری مختلف به منظور دستیابی به روش مناسب

۱-۳. روش پژوهش

شیوه پژوهش در این مطالعه مبتنی بر روش "اسنادی یا کتابخانه‌ای" بوده است. جستجوی گسترده در مراکز علمی و اجرایی ذی‌ربط و به ویژه مراکز بین‌المللی، با استفاده از امکانات شبکه جهانی اینترنت، گردآوری منابع و اسناد مرتبط و تجزیه و تحلیل آنها، شیوه اصلی گروه پژوهشی برای دستیابی به اهداف پژوهش بوده است.

در این مطالعه سعی بر آن شد تا حتی الامکان کلیه تحقیقات بعمل آمده در زمینه بخش غیررسمی در ایران شناسایی، گردآوری و تحلیل شود. همچنین تلاش شد عمده‌ترین و نیز آخرین دستاوردهای مجامع بین‌المللی ذی‌ربط (به ویژه سازمان بین‌المللی کار و گروه کاری دهلی) مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد.

فصل ۲. چارچوب نظری

در این فصل، با هدف فراهم ساختن چارچوب نظری لازم برای بررسی موضوع، در ابتدا سیر تحول تاریخی توجه به بخش غیررسمی و گردآوری اطلاعات در مورد آن را مرور خواهیم نمود، سپس علل پیدایش و گسترش این بخش از فعالیتهای اقتصادی را از منظر رویکردهای مختلف در ادبیات اقتصادی تشریح می‌کنیم.

۲-۱. مروری بر سیر تاریخی توجه به اهمیت بخش غیررسمی و اطلاعات مربوط به آن

با استقلال تدریجی کشورهای در حال توسعه بعد از جنگ جهانی دوم و مطرح شدن تفاوت‌های اساسی در ساختار اقتصادی این کشورها با کشورهای توسعه یافته، ناکارایی نظامهای حسابداری موجود نیز که اساساً در قالب ساختار کشورهای توسعه یافته طراحی شده بود، در تبیین مسائل اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه بیش از پیش آشکار گردید.

دامنه نارسایی نظامهای حسابداری موجود علاوه بر پژوهشگران علوم اقتصادی، توسط متخصصین نظام حسابداری اقتصادی نیز مطرح گردید. به عنوان نمونه، هانس سینگر یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان توسعه اقتصادی و مبتکر مفهوم بخش غیررسمی و شناساندن اهمیت آن در فرآیند توزیع درآمد و اشتغال کشورهای در حال توسعه، چنین اظهار نظر می‌کند:

”ممکن است تلاشهای بین‌المللی کلیه نظامهای آماری را به طرف اندازه‌گیری GNP،

اندازه‌گیری اثر بخشی هزینه‌های دولت و کمی ساختن سایر متغیرهای اقتصادی سوق دهد. هر چند این نوع نگرانیها از دهه ۱۹۶۰ شروع شده و هنوز هم ادامه دارد، با این حال ممکن است ما را به یک دایره شوم پایان ناپذیری که در آن احتمال اینکه فقدان آمار و اطلاعات منجر به

تصمیم‌گیریهای نادرست شود و یا اینکه تصمیم‌گیریهای نادرست، نظام جمع‌آوری آمار و اطلاعات نادرست را به وجود آورد، خیلی زیاد باشد. زمانی که همگان پی بردند که حجم عظیمی از آمار و اطلاعاتی که در حال حاضر جمع‌آوری می‌شود مربوط به GNP است و با نگرشهای جدید توسعه اقتصادی سازگاری کافی و لازم را ندارد، تمایل برای جمع‌آوری آمار و اطلاعات مناسبتر و سازگار با نگرشهای جدید توسعه اقتصادی خود به خود ایجاد خواهد شد^۱.

نگرانی هانس سینگر در مورد ماهیت و مفید بودن آمار و اطلاعات، علاوه بر یافته‌های وی، نکات قابل ملاحظه دیگری هم در بر دارد. اولا علیرغم توسعه و پیشرفت آمار و اطلاعات در کشورهای در حال توسعه، ثبت و ضبط آمارها در این کشورها برحسب درجه قابل اعتماد بودن، اغلب در سطح پایینی قراردارند. ثانيا پیشرفت و توسعه آمار و اطلاعات بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای در حال توسعه ارتباط زیادی با نقش نهادهای بین‌المللی و توصیه‌های آنها در استاندارد کردن نظام آماری دارد، زیرا که حجم قابل ملاحظه‌ای از این آمارها براساس توصیه‌های سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای بین‌المللی، تولید و جمع‌آوری می‌گردند.

در این مورد، آشوک میترا یکی از اقتصاددانان هند در دهه ۱۹۶۰ میزان ناکارایی این نوع آمار و اطلاعات را برای کشورهای در حال توسعه چنین به تصویر می‌کشد:

”تلاشهای پانزده سال گذشته دفاتر آماری سازمان ملل متحد و اینکه این نوع کمکهای فنی در بهبود آمار و اطلاعات برای کشورهای در حال توسعه واقعا نتایج قابل قبولی داشته است یا نه را بایستی با تأمل بیشتری بررسی کرد. به دلایل مختلف حیثیتی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه خواسته یا ناخواسته فرآیند جمع‌آوری آمار و اطلاعات خود را روی محاسبات درآمد ملی، تشکیل

¹ International Labour Office (1975) Time for Transition: A Mid – Term Review of the Second United Nations Development Decade , P.61

سرمایه و پس اندازها متمرکز نموده‌اند و در نتیجه جمع‌آوری و توسعه آمارهای اساسی مانند تغییرات جمعیتی، توزیع درآمد و اشتغال و همچنین توجه به آثار و تبعات اجتماعی آنها بطور کلی نادیده گرفته می‌شوند^۱.

نگرشهای جدید توسعه اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و به ویژه ۱۹۷۰ در "رشد و توزیع درآمد"، نیازهای اساسی و بطور کلی نگاه انسان مدارانه به اقتصاد کشورهای در حال توسعه دامنه نگرانیهای پیشین را بیش از پیش آشکارتر کرد و در نهایت منجر به یک توافق عمومی سازمانهای بین‌المللی در مورد اتخاذ یک استراتژی گردید.

نقطه عزیمت آن مربوط به تصویب استراتژی دهه دوم توسعه است که در سال ۱۹۷۰ به تصویب رسید. در این استراتژی تأکید قابل ملاحظه‌ای بر آن دسته از اهداف و سیاست‌های اقتصادی، همانند نادیده گرفتن مستقیم ابعاد مختلف انسانی در فرایند توسعه، می‌شود که قبلاً (در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۵۰) یا بطور کلی نادیده گرفته شده بود و یا جزء اهداف ثانویه به شمار می‌آمدند. از اینرو در این استراتژی تصریح می‌گردد که "هدف نهایی توسعه" رفاه اقشار مختلف جامعه است و تأکید بیش از حد روی ثروت ممکن است با تحقق عدالت اجتماعی ناسازگار باشد^۲. همچنین قرار شد که پشتیبانی همه جانبه‌ای از سیاستهای اتخاذ شده برای کشورهای توسعه یافته و به ویژه در حال توسعه صورت گیرد. یکی از نهادهای بین‌المللی که این نوع سیاستها را در دستور کار خود قرار داده بود، برنامه اشتغال جهانی سازمان بین‌المللی کار می‌باشد. برنامه اشتغال جهانی

¹ Mitra, A. (1963) Underdeveloped Statistics, Economic Development and Cultural Change, Vol. XI, No. 3, P. 71.

² Adelman, I. And Robinson, S. (1989) Income Distribution and Development, in Hand book of Development Economics, Edited by H. Chenery and T. N. Srina Vasan, Vol. II, North Holland, Amesterdom, PP. 999-1003.

در قالب بررسی ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه بر اساس نگرش زیر
تأسیس گردید:

” از آنجا که اقشار فقیر تمایل بیشتری به مصرف کالاهای کاربر نسبت به ثروتمندان دارند، باز
توزیع درآمد به نفع آنها، موجب افزایش اشتغال خواهد شد“^۱

یکی از اثرات عمده برنامه اشتغال جهانی این بود که با اعزام هیئتهای مختلف به کشورهای
مختلف در حال توسعه نظیر کلمبیا، سریلانکا، ایران، فیلیپین و کشورهای دیگر و از طریق
فعالتهای پژوهشی سازمان مزبور به تدریج دریافتهای و بینشها تغییر یافت و سیاستهای جانشینی
مطرح گردید.^۲ از جمله یافتههای این پژوهشها در کشورهای مختلف در حال توسعه آن بود که
بیکاری آشکار مشکل جدی گروههای سنی خاص (جوانان) و طبقات اجتماعی مشخصی
(فارغالتحصیلان دبیرستانها) محسوب می شود. علاوه بر آن تجربیات نشان می داد که معمولاً بیکاری
کلی در جهان سوم پایین است. مردم فقیر غالباً بیکار نیستند، بلکه درآمدهایشان ناکافی است. راه
حل در مورد فقرای شاغل ایجاد کار و مشاغل بیشتر نیست بلکه اشتغال با بازدهی و بهره‌وری
زیادتر است.^۳

^۱ برای اطلاع بیشتر به :

Jeffrey, J. and Khan, H.A. (1993) The Employment Effects of an Income Redistribution in Developing Countries, World Development, Vol. 12, No. 5, PP. 817-827.

مراجعه شود.

^۲ برای اطلاع بیشتر از این نوع پژوهشها در کشورهای مختلف در حال توسعه به:

ILO (1970) Towards Full Employment : A Programme for Colombia, ILO.

ILO (1972) Income Distribution, Employment and Structure of production, ILO.

ILO (1971) Matching Employment Opportunities and Expectation: A Programme for Action 70 for Ceylon, Geneva, ILO.

مراجعه شود.

^۳ کیت گریفین (۱۳۷۵)، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر و محمد حسین هاشمی، نشرنی، فصل هفتم، ص

یکی از قلمروهای فعالیت اقتصادی در این کشورها که ظرفیت بالایی برای ایجاد اشتغال توأم با بازدهی و بهره‌وری پایین دارد، بخش غیررسمی است. بررسیهای سازمان بین‌المللی کار نشان داده است که در مناطق شهری کشورهای در حال توسعه، بسیاری از فقرای شاغل یا به کارهای آزاد اشتغال دارند یا در کارگاههای کوچک که سرمایه ثابت آنها ناچیز و روشهای تولیدی آنها کاربر است به صورت مزد بگیر کار می‌کنند و عده‌ای دیگر از این افراد به کارهای خدماتی (مانند فروشنده سیار، پیلهور، کلفت یا نوکر) مبادرت می‌ورزند که این امور نیز کاربر هستند. همچنین کارشناسان سازمان بین‌المللی کار در پژوهشهای مختلف خود در کشورهای در حال توسعه نشان داده اند که فعالیتهای فوق‌عموما شناسایی و ثبت نشده هستند.

در این راستا، سازمان بین‌المللی کار، برای جلب توجه به این گروه از فعالیتهای اقتصادی، آنها را به عنوان "بخش غیررسمی" توصیف نموده و معتقد است که بخش غیررسمی بالقوه مستعد رشد سریع و ایجاد اشتغال در بیشماری مشاغل مولدتر و پردرآمدتر است.

در حال حاضر بخش غیررسمی یک بخش مهمی از اقتصاد و بازار نیروی کار را در کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهد. این بخش باتولید کالاها و خدمات، انتقال مهارت توسط تازه واردین به بخش، کاهش بیکاری و بکارگرفتن سرمایه‌های (پس اندازها) فردی نقش عمده‌ای را در تولید، ایجاد اشتغال و درآمد ایفا می‌کند. ویکز^۱ در ارتباط با اهمیت بخش غیررسمی در کشورهای در حال توسعه، این بخش را دارای سه مزیت می‌داند^۲: "نخست آنکه بخش غیررسمی سهم بزرگی از کالاهای مصرفی مورد نیاز گروههای کم درآمد را تولید می‌کند و دانش فنی کاربردی آن

^۱ Weeks

^۲ جی جی. توماس - زانول ریسک‌اریج - وینچنز ویستو، اقتصاد غیررسمی، ترجمه و تلخیص منوچهر نوربخش و کامران سپهری. انتشارات مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، پائیز ۱۳۷۶، صص ۶۰-۵۹

به جای تولید محصولاتی مشابه محصولات وارداتی، برجایگزینی واردات تکیه داشت. دوم آنکه کارگاههای این بخش می‌توانستند از درون خود صنایع، تولید کالاهای سرمایه‌ای را امکان‌پذیر نمایند و همچنین بر مهارت‌های کارکنان بیفزایند. بالاخره رشد بخش غیررسمی در مقایسه با بخش رسمی به معنای استفاده بیشتر از نیروی کار در جریان صنعتی شدن است. از نظر تئوری، این امر نه فقط سبب افزایش نسبت اشتغال افزوده شده به تولید اضافه شده در بخش‌های غیرکشاورزی می‌گردد، بلکه استفاده کارآمدتر سرمایه را هم تضمین می‌کند.^۱

آنچه که در سالهای اخیر بر اهمیت نقش و جایگاه این بخش در کشورهای در حال توسعه افزوده است آن است که در طول دو دهه گذشته بسیاری از کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) با بحران اقتصادی، تورم بالا، بازپرداخت بدهیهای خارجی و رشد جمعیت و نیروی کار بخصوص در مناطق شهری (نتیجه تداوم مهاجرت روستایی) مواجه بودند. اشتغال در بخش رسمی راکد بوده و این بخش قادر به جذب مازاد نیروی کار نبوده است. تحت این شرایط بخش غیررسمی یک رشد بی‌سابقه و غیرقابل انتظاری را تجربه کرد. مطابق برآوردهای صورت گرفته، این بخش تقریباً ۳۰۰ میلیون نفر را در جهان سوم و حدود ۴۰، ۵۵ و ۷۰ درصد اشتغال شهری یا غیرکشاورزی را به ترتیب در کشورهای آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا را در برمی‌گیرد.^۱

به این ترتیب بخش غیررسمی که تا این زمان غالباً تحت عنوان اقتصاد فقیر از آن نام برده می‌شد و به دلیل عدم توجه و حمایت دولت‌ها نادیده گرفته می‌شد نقش مؤثر و برجسته‌ای را در کاهش بیکاری و فقر ایفا نمود و با جذب میزان قابل توجهی از بیکاران شهری و مهاجرین

¹ ILO (1993). *Statistics of Employment in the Informal Sector*. Fifteenth International Conference of Labour Statisticians, Report III. Geneva.

روستایی به بازار کار مورد توجه سیاست‌گذاران، اقتصاددانان و برنامه‌ریزان دولتی قرار گرفت.

امروزه، قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه بخش غیررسمی در حل بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی آن گروه از کشورهای در حال توسعه که با مشکل فراگیر و رو به رشد بیکاری مواجهند، از نابرابری وسیع درآمدها رنج می‌برند، فاقد دولت توانمندی هستند، نظامهای آموزش حرفه‌ای رسمی آنها ناکارآمد است و گرایش به سرمایه‌گذاری اقتصادی در آنها اندک است، موجب شده تا چنین توجهی بیش از پیش گسترش یابد خصوصاً که خصوصیات مذکور در بین طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه، آشکارا، به چشم می‌خورد. به ویژه که شرایط محیطی و فضای کسب و کار در این کشورها گرایش به رشد این بخش در آنها را تقویت می‌نماید و انتظار می‌رود، در آینده، بر اهمیت اندازه این بخش در مجموع فعالیتهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه افزوده شود.

این توجهات موجب ایجاد تغییرات خاصی در زمینه نقش بخش غیررسمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی شده است که به نوبه خود بر تقاضای آمار بخش غیررسمی تأثیر گذاشته است. قبل از این زمان با این تلقی که بخش غیررسمی یک پدیده زودگذر و غیرسودمند است عمدتاً در آمارهای رسمی نادیده گرفته می‌شد و فعالیتهای آن از آمارهای موجود حذف می‌شد و نیاز کمی به جمع‌آوری داده‌های مربوط به این بخش احساس می‌شد.

به جز برآوردهای تقریبی اشتغال بخش غیررسمی که با استفاده از نتایج سرشماریهای جمعیت و یا آمارگیریهای نیروی کار صورت می‌گرفت، اطلاعات مربوط به اشتغال و ارزش افزوده این بخش تنها از طریق روشهای برآورد غیرمستقیم یا تحلیل مقایسه‌ای داده‌ها از منابع مختلف قابل برآورد بود. ولی این روشهای غیرمستقیم به دلیل فرضی و تقریبی بودن همواره مورد انتقاد قرار گرفته است، ضمن اینکه این برآوردها به میزان قابل توجهی وابسته به فروض، پوشش و کیفیت داده‌های مورد استفاده هستند و فعالیتهای غیرقانونی، پنهان و ثبت نشده را نیز در برمی‌گیرند.

بنابراین تصویر کامل و روشنی از بخش غیررسمی را نمایان نمی‌کنند بعلاوه این برآوردها معمولاً در سطح کلان صورت می‌گیرند و لذا نمی‌توانند اطلاعاتی را در خصوص ترکیب این بخش و نحوه عملکرد و ارتباط آن با سایر بخش‌های اقتصادی فراهم آورند.

میزان اهمیت اقتصادی یک بخش از اقتصاد معمولاً از طریق سهم آن بخش در تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود اما استفاده از این معیار برای تعیین میزان اهمیت بخش غیررسمی به سهولت امکان‌پذیر نمی‌باشد. اطلاعات جامع، قابل اعتماد و تفصیلی در زمینه اشتغال بخش غیررسمی و سهم آن در تولید ناخالص داخلی (GDP) تنها با استفاده از روشهای مستقیم اندازه‌گیری به صورت سرشماری یا نمونه‌گیری در سطح کلان امکان‌پذیر است. به دلیل فقدان چنین داده‌های از منابع رسمی بخشی از مطالعات تجربی گذشته در زمینه بخش غیررسمی توسط سازمانهای بین‌المللی و مؤسسات مختلف تحقیقاتی صورت گرفته است که بطور مثال می‌توان به سری برآوردهای مربوط به بخش غیررسمی سازمان بین‌المللی کار تحت عنوان برنامه اشتغال جهانی (WEP) در شهرهای ۱۵ کشور آفریقایی، آسیایی و آمریکایی در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اشاره نمود.

نتایج این برآوردها که توسط ستورامن^۱ (۱۹۸۱) و مالدونادو^۲ (۱۹۸۷) خلاصه شده، اطلاعات غنی را فراهم آورد که به روشن‌تر شدن مفهوم بخش غیررسمی، شیوه عملکرد و ماهیت فعالیتهای انجام گرفته در آن، امکانات بالقوه آن به عنوان منبع اشتغال و ایجاد درآمد و نقش آن در توسعه اقتصادی و محدودیت‌های رشد واحدهای بخش غیررسمی کمک نمود. این مطالعات به عنوان پایه‌ای برای پیشنهاد سیاستها و برنامه‌های مناسب برای بخش غیررسمی در زمینه‌های مختلف بکار

^۱ Sethuraman

^۲ Maldonado